

زنده باد سوسیالیسم!

دوره دوم شماره ۸ // آذر ماه ۱۳۹۹

# راه سرخ

ارگان فعالین داخل کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

کارگران  
سراسر جهان  
متحد شوید!

آزادی

مسکن

کار

چشم انداز پیش رو و وظایف عاجل ما

آفتاب پرستی به نام اردوغان . باری به هر جهت خدمت به جمهوری اسلامی!  
باری به هر جهت فاشیسم ترکی و علیه جمهوری اسلامی!

نگاهی گذرا به جنبش دانشجویی

مرگ کسب و کارشان است

در باغ سبز دمکراسی غربی

من هم یلدا داشتم!

بمناسبت ۲۱ آذر. هفتاد و پنجمین سالگرد جنبش انقلابی و دموکراتیک آذربایجان

واژه ها و مقوله های فلسفی، سیاسی و اجتماعی

فراخوان. راز ماندگاری حماسه سیاهکل



” کو پتک و  
داس سرخ و  
میدان انقلاب  
تا کاخ دین و  
بیخ ستم را  
برافکنم“  
لاهوئی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!



## چشم انداز پیش رو و وظایف عاجل ما

به برجام لازم است ایران پیرامون مسایل موشکی و دخالت‌های منطقه‌اش وارد مذاکره شود و با این گفتمان جدید اردوی جمهوری اسلامی را آشفته و مایوس کرد. اکنون فشارهای جهانی از هر سو تشدید شده و عملا اجماعی جهانی بر علیه رژیم شکل گرفته و در داخل هم به قول نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه کفگیر به ته دیگ خورده و هیچ پولی برای هیچ کاری نمانده (البته اقدامات نظامی و حفاری سایتهای اتمی در عمق هشتاد متری که بمبهای سنگر شکن آمریکایی هم نتوانند آن را تخریب کنند از این قائنده مستثنی است) و بودجه در هوا تنظیم شده سال ۱۴۰۰ که به قول نماینده مشهد در مجلس حتی دانش آموزان هم به آن می‌خندند که تنها منبع درآمدش افزایشی ۴۰ درصدی و در مواردی تا شصت درصدی مالیاتها است که به دنبالش تشدید وحشتناک تورم و افزایش بیکاری و فقر و فلاکت توده‌ها را به همراه دارد مزید بر علت شده و چشم انداز وحشتناکی از شورش و قیام گرسنگان را پیش رو قرار داده تا جایی که در تمام جلسات مجلس نمایندگان مختلف به کرات چنین روزهای سیاهی را هشدار میدهند و البته فراموش نمیکنند علت العلل هم چیز را روحانی و تیم او معرفی کنند. در این شرایطی که خلاصه وار ترسیم شد رژیم چه راهی پیش رو دارد؟

برجام دیگری تنظیم کرد، مجلس عوام از دولت بریتانیا خواسته سپاه را در لیست تروریستی قرار دهد، دادگاه دیپلمات ایرانی اسدی علرغم همه تهدیدها و تطمیع های جمهوری اسلامی برگزار شده، دبیر کل سازمان ملل خواسته برجام باز نگری شود، رئیس آژانس انرژی اتمی اعلام کرده ایران به تعهدات برجامی خود پایبند نبوده و باید برجام اصلاح شود، سه کشور آلمان و انگلیس و فرانسه در بیانیه ای مشترک خواهان مذاکره مجدد برجامی با جمهوری اسلامی و گنجاندن مسئله موشکی و دخالت‌های منطقه ای ایران در این توافق شدند، شرکای پیمان صلح ابراهیم (پیمان صلح بین کشورهای عربی و اسرائیل) که همان طرح ناتوی عربی مطرح شده توسط پمپئو وزیر خارجه آمریکا در سال گذشته است، به صراحت اعلام کرده اند که این پیمان در مقابله با دخالت‌های منطقه ای و توسعه طلبانه جمهوری اسلامی است، و از همه مهمتر (اهمیت آن برای جمهوری اسلامی) گفتمان جدیدی است که از کمپ بایدن به گوش میرسد که بر خلاف وعده های دوران مبارزات انتخاباتی مبنی بر بازگشت به برجام و برداشتن تحریمها و آزاد کردن پولهای بلوکه شده ایران که موجب شادی و شغف عجیبی در کارگزاران رژیم خصوصا باند لیبرال روحانی شده بود، اکنون با عنوان کردن اینکه برای بازگشت

قبل از هر چیز میبایست با تاکید بر بحران سرنوشت ساز اقتصادی و سیاسی که رژیم با آن درگیر است یاد آور شویم که در شرایطی به شدت حساس قرار داریم که درک آن و اتخاذ تاکتیک درست برای مبارزات کارگران و زحمتکشان و توده های کار و زحمت و انقلاب سوسیالیستی بسیار حیاتی است. این واقعیت که اکنون جمهوری اسلامی به پایان تاریخ مصرف خود برای سرمایه داری نزدیک شده غیر قابل انکار است سیاست های توسعه طلبانه و توحش گونه منطقه ای رژیم که به شدت ثبات و بقا حکومت‌های منطقه را تهدید میکند به همراه فساد فراگیر و افسارگسیخته حاکم بر ایران که کمترین تاثیر آن شکل گیری طیف گسترده ای از نوکیسه های انگلی گرد باندهای و شرکتهای مافیایی است که بسیار مشتاقند خود را بنمایانند و شکاف عمیق طبقاتی ناشی از این اقتصاد انگلی به شدت بر نارضایتی توده ها افزوده و قیام گسترده گرسنگان بقاء سرمایه داری را تهدید میکند. در چنین شرایطی اقدامات اخیر جهانی قابل تامل است، اروپا که تا دیروز چشم بر همه چیز بسته بود، بعد از اعدام "زم" به یکباره متوجه نقض حقوق بشر در ایران شد و پارلمان اروپا قطعنامه ای مبنی بر محکوم کردن نقض حقوق بشر در ایران صادر کرد، وزیر خارجه آلمان گفته که دیگر برجام کافی نیست و باید

در حال حاضر حفظ بقاء تنها اولویت رژیم است و برای تداوم این حیات ننگین به هر ریسمانی چنگ میزند، در این رابطه گزینه های زیادی ندارد نخست اینکه هر دو جناح رژیم در برابر شورش گرسنگان تنها به سرکوب گسترده فکر میکنند و به زعم خود همه تدارکات لازم از تجهیزات و نفرات و منابع مالی را فراهم کرده اند و سرکوب خونین آبان ۹۸ گوشه ای از این تدابیر اتخاذ شده بود ( و ناگفته نماند که اگر کرونا به داد رژیم نمیرسید با چوگان سرکوبی ره به جایی نمیردند ) و البته خود به خوبی میدانند که به گواه تاریخ با این روش نمیتوانند بقای خود را تضمین کنند ولی این تنها اقدامی است که تمامی رژیمهای جنایتکار و ددمنش در طول تاریخ بدان متوسل شده اند. در برابر فشارهای جهانی، تنها گزینه مذاکره است که لیبرالها به فکر مذاکره به هر قیمتی هستند که این روش به معنی پذیرش تمامی شروط دوازده گانه ای که پمپئو مطرح کرده بود ( و اروپاییها و تیم بایدن هم به آن باور دارند هر چند صریحا بیان نکرده اند ) که عملا تغییر ماهیت دادن جمهوری اسلامی است و طیف غالب حاکمیت شامل سپاه و امنیتی ها که بخش بزرگی از اقتصاد را در کنترل دارند و راستهای افراطی که همچنان تکیه بر بازار سنتی زده اند و تعیین کنندگان اصلی سیاستهای اقتصادی رژیم هستند به هیچ وجه نمیبپذیرند چرا که تمامی منافعشان در حفظ این مناسبات و ترویج باورهای افراطی مذهبی است، این جناح به مذاکره از موضع قدرت امید دارد و در این وضعیت بحرانی اقتصاد تنها کره شمالی گونه عمل کردن را چاره کار میدانند، به فکر رو کردن آخرین برگ برنده خود یعنی انجام یک آزمایش اتمی حتی کوچک هستند و به

این منظور امکانات لازم را که یک کلاهک اتمی است در اختیار دارند ( کلاهکی هایی که در آشفته بازار بعد از فروپاشی شوروی از باندهای مافیایی اوکراینی خریده اند ) . ناگفته نماند که این جناح از جنگ استقبال میکند تا به قول خمینی جلاد از نعمت آن برخوردار شوند ولی تنها جنگی به کار میاید که شروع کننده اش دیگران باشند و رژیم از موضع مظلوم وارد آن شود تا به زعم خود بتواند حداقل بخشی از جهان را در حمایت از خود داشته باشد، جنگی که شروع کننده اش خودش باشد تنها به رویارویی با جامعه جهانی خواهد انجامید. بی شک تلاشهای رژیم برای اتمی کردن خود هم نوعی خودکشی محسوب

**کارگران پیشرو و مبارزین راه آزادی و سوسیالیسم، تلاش جهت وحدت جنبش کمونیستی یک وظیفه مبرم است.**

**برای سرنوشت انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری سیستم اقتصادی، اجتماعی نوین مبتنی بر شوراها در یک جبهه انقلابی متحد شویم.**

میشود و میتواند بحرانی نظامی برایش بیار آورد بخصوص که اعراب ترسو منطقه هم اینبار به پشتوانه هم پیمانی با اسرائیل تمام قد در برابر رژیم ایستاده اند و تهدید کرده اند در صورت دستیابی رژیم به سلاح اتمی آنها هم به دنبال سلاح اتمی خواهند رفت. اکنون رژیم هر گامی که بر میدارد عملا به سرنوشت محتومش نزدیکتر میشود.

در چنین وضعیتی وظیفه ما چیست؟ پاسخ این سوال در سه کلمه خلاصه میشود: اتحاد، مبارزه، پیروزی

این شعاری محوری و کلیدی است که به کرات در هر تظاهرات و میتینگ و سخنرانیها و اطلاعیه های همه جریانات کمونیست بیان شده، همگان را در عمل به آن تشویق نموده ایم و اکنون زمان آن فرا رسیده که وفاداری عملی خود به این شعار را نشان دهیم. در شرایط وصف شده که جریانات سرمایه داری فرصت طلبانه و کرکس وار بر گرد رژیم مفلوک و رو به مرگ جمهوری اسلامی تجمع کرده و آماده تهاجم به دست آوردهای قیام عنقریب کارگران و توده های ستمدیده هستند، نباید اجازه دهیم پنجاه و هفت دیگری تکرار شود، پیروزی انقلاب و سرنوشتی سیادت سرمایه داری در گرو تلاشهای آگاهی بخش و هدایتگر انقلابیون کمونیست و برقرار کردن پیوند میان باورهای انقلابی با عملکرد انقلابی است لازمه به نتیجه رسیدن مبارز اتحاد است که تاکنون در عمل به آن توجه چندانی نداشتیم اکنون شرایط ایجاب میکند تمام نیرو و انرژی خود را برای به عینیت رساندن این امر ضروری به کار گیریم همه چیز در گرو این اتحاد است.

بار دیگر مسئله جبهه و ضرورت حیاتی ایجاد آن را یاد آور میشویم و از همه انقلابیون کمونیست فارغ از تعلقات تشکیلاتی تقاضا میکنیم تمامی نیرو و امکانات خود را در خدمت این امر مهم قرار دهند. ما به عنوان فعالین داخل کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست با تمام نیرو و امکاناتمان برای شکل گیری و تحقق این جبهه از هیچ اقدامی فرو گذار نمیکیم.



# آفتاب پرستی به نام اردوغان . باری به هر جهت خدمت به جمهوری اسلامی ! باری به هر جهت فاشیسم ترکی و علیه جمهوری اسلامی !

هیوا

طرفی بطور ضمنی بر همدستی و حمایت حکومت اردوغان پیش از واقعه اختلاف بر سر شعر خوانی ارس ، از ترورهای قبلی جمهوری اسلامی در ترکیه مانند ترور مدیر شبکه جم تی وی یا ترور اعضای پژاک در خاک ترکیه توسط سپاه پاسداران یا مسترد کردن پناهندگان سیاسی از طرف ترکیه به رژیم ایران ، تاکید داشت .

خبر چنین بود ، رسانه های ترکیه از جمله رادیو تلویزیون رسمی ترکیه ( تی آر تی ) اعلام نمودند که سازمان اطلاعات ترکیه - ام ای تی - یک باند ۱۱ نفره را که در این کشور اقدام به ربودن و یا کشتن مخالفان حکومت ایران میکرده ، بازداشت نموده است ، از آخرین فعالیتهای این باند ، ربودن " حبیب فرج الله جعب ملقب به حبیب اسبود " از رهبران گروه مقاومت ملی " الاحواز " و انتقال او به ایران ، بوده است .

واشنگتن پست نیز به نقل از یک مقام ترک اعلام کرد : حبیب اسبود به کمک یک قاچاقچی مواد مخدر ربوده و به ایران منتقل شده است . در گزارش های دیگر نیز آمده است که حبیب اسبود از طریق زنی که گویا پرستوی رژیم بوده به نام " سابربین . س " که مامور امنیتی ایران و عضو باند " ناجی شریف زیندشتی " ، قاچاقچی ای که گفته شده در ظاهر یک قاچاقچی سالها مورد حمایت دولت ایران در ترکیه بوده ، بیهوش و ربوده و به صورت غیر قانونی به ایران منتقل شده است . در گزارشات بعدی تعداد دستگیر شدگان به ۱۳ نفر افزایش یافت .

این خبر از طرف دولت فاشیست ترکیه به معنی ضرب شصتی دیگر به جمهوری اسلامی پس از ترور فخری زاده توسط اسرائیل و منزوی نمودن هر چه بیشتر ایران

بخشی از اخبار داغ اخیر ایران مرتبط با شعری است که " رجب طیب اردوغان " - دیکتاتور نژاد پرست ترکیه ، که پیش از خواندن این شعر ، حامی سیاستهای تروریستی و حذف فیزیکی دشمنان جمهوری اسلامی در منطقه بود - در جمهوری آذربایجان خواند . این شعر جنجال برانگیز ناسیونالیستی که " ارس " نام دارد ، در رژه ای به مناسبت پیروزی جمهوری آذربایجان در قره باغ ، در حضور " الهام علی اف " رئیس جمهور جمهوری آذربایجان خوانده شد و باعث واکنشهای تندی از طرف مقامات جمهوری اسلامی گردید . اغلب واکنشها به اردوغان از طرف ایران ، در محکوم کردن این شعر خوانی با تفسیر حول این امر بود که شعر ارس توهین و مداخله در تمامیت ارضی ایران است ، تعداد بسیاری از مقامات ایران هم با رویکرد نژاد پرستانه و ناسیونالیستی متقابل ، جمهوری آذربایجان را تاریخا جزء ایران دانستند ! و پس از این مشاجرات لفظی دو دولت سفرای یکدیگر را به وزارت خارجه متبوعه احضار کردند و از طرف دیگر روابط عمومی ریاست جمهوری ترکیه ، برخی واکنشها از طرف مقامات ایران را توهین آمیز خوانده و مدعی شدند که شعر خوانی اردوغان بد تفسیر شده است .

طی چند روز پس از این اختلافات دولت ترکیه موضع گیری جدی خود را در تقابل با ایران و خروجش از اتحاد عملی سیاسی با جمهوری اسلامی ایران ، رسماً با خبری مهم اعلام نمود ، خبری که از طرفی بر تروریسم وسیع و افسار گسیخته سپاه پاسداران صحنه میگذاشت و مهر تایید و اثبات کننده ی جنایات ، آدم ربایی و ترورهای مخفیانه جمهوری اسلامی در خاک کشورهای دیگر از طریق عوامل نفوذی سپاه بود ، و از



در منطقه بود. انزوای ایران، از طرفی به واسطه همکاری کشورهای عربی در هم پیمانی با اسرائیل و از طرفی با دست رفتن یکی از مهمترین متحدانش - ترکیه - که هم اکنون برایش خطر تحرکات تجزیه طلبانه و پان ترکیستی را به دنبال دارد.

آنچه از این اخبار نتیجه میشود، علاوه بر افشا شدن گسترده تر ابعاد جنایت های جمهوری اسلامی است که در تمام این سالها و از ابتدای انقلاب ۵۷ سیاستهای خود را بر حذف مخالفین خود از همه جریانات و افراد و روشنفکران چه در داخل و چه در خارج از مرزهای ایران، بوده، بعد مهم دیگری دارد که آن رقابت دولتهای سرمایه داری در جهان و در اینجا رقابت ایران و ترکیه و مواضع مبتنی بر منافعشان در برهه های مختلف است که شاهدیم وقتی منافع دو دولت اقتضا مینمود در دوره ای طولانی این دو دولت سرمایه داری با اتحادشان زمینه ساز سرکوب گسترده روشنفکران و فعالین سیاسی از طرفی و سرکوب نژادی کردها و جریانات فعال کرد در دو کشور و منطقه از طرف دیگر شدند. اما هم اکنون شاهدیم که ترکیه به جهت تغییر منافع همسو با جمهوری آذربایجان و در جهت پیش برد اهداف ناسیونالیستی اش در منطقه با سودای ظاهرا احیای امپراطوری عثمانی و نسل کشی و سرکوب مجدد کردها و ارمنه و با چشم داشت به تقسیم مجدد منطقه در تقابل با سرمایه داری ایران قرار گرفته است.

عموم مردم در کنار اتحاد علیه جمهوری اسلامی و توجه به افشا شدن هر چه سریعتر ضعفهای رژیم و آگاهی از آنها، باید از طرفی هم مطلع باشند که موظفند در پیوند با خلق های ستم دیده جهان از جمله اقوام تحت ستم و طبقات فرودست کشور ترکیه که

اقوامی مشترک با ایران داشته و هم اکنون دولتش از طرفی سودای تجزیه ایران از طریق احیای پان ترکیسم و فاشیسم را دارد، هوشیار باشند. مواضع اخیر دولت ترکیه فارغ از اینکه خطری برای جمهوری اسلامی محسوب میشود به جهت ظهور افراطی ناسیونالیسم ترکی، خطری برای تمام خلق های منطقه بویژه قوم کرد و ارمنه به سبب سابقه و احتمال سرکوب مجدد و نیز اقوام ترک به دلیل برانگیختن احساسات غیر انسانی نژاد پرستانه توسط اردوغان میباشد که میتواند تمامی اقوام را شامل شده و از اتحاد فراقومی علیه دشمن مشترک، یعنی سرمایه داری باز بدارد. در ادامه لازم است اشاراتی در باب داعیه دار پان ترکیسم منطقه برای آگاهی و شناخت بیشتر صورت گیرد، رجب طیب اردوغان اولین رئیس جمهور مستقیم ترکیه که هم اکنون فردی دیکتاتور و نژاد پرست شناخته میشود، همان فردی است که در ابتدای انتخاب یعنی سال ۲۰۰۴ با شعار طرفداری از کردها و اسلامگراها وارد میدان شد و رونق صنعتی و و اقتصادی سرمایه داری را برای ترکیه طی ده سال وعده داد همان

هیوا

فردی است که پان ترکه های نژاد پرست ترکیه ابتدا علیه او موضع گرفتند، اما اردوغان رفته رفته چرخشی دیکتاتور مآبانه و خیانت کارانه به حزب عدالت و توسعه خود انجام داد و از اصلاح و وعده های حقوق بشری که داده بود فاصله گرفت و به سمت پان ترکیسم و نژاد پرستی میل کرد و سابقه کشتار کردهای عفرین و دخالت در سوریه و دخالت در جنگ قره باغ علیه ارمنه و حمایت از ترورهای سپاه و بسیاری موارد دیگر را در کارنامه خود قرار داد، گاهی همسو با منافع آمریکا و گاه همسو با دشمنان آمریکا و حتی تحریم شد! از این جهت به مانند آفتاب پرستی در عرصه سیاست منطقه است که پتانسیل این را دارد تا با دامن زدن به گرایشات فاشیستی و برافروختن نزاعهای نژادی و قومیتی خدمتی خواسته یا ناخواسته به امپریالیسم نموده و مفری برای بحران جهانی سرمایه داری و تقسیم مجدد منطقه به نفع امپریالیست ها فراهم کند.

**بورژوازی از تمام حرفه‌هایی که قبلا شریف شمرده می‌شدند و اعجاب توام با احترام مردم را برمی‌انگیختند. سلب حرمت و شخصیت کرده است. پزشک، قاضی، کشیش، شاعر و دانشمند را به خدمتگذاران اجیر و مزدبگیرش بدل کرده است.**

**بورژوازی لفاف احساساتی خانواده را از چهره‌ی آن برگرفته. مناسبات خانوادگی را به مناسبات پولی صرف تقلیل داده است.**

**”مانیفست کمونیست“**

و روز دانشجوی دیگری زاده شد و اینبار اول اردیبهشت، شانزده آذر دوران جمهوری اسلامی شد و به دنبال آن با فرا رسیدن سال شصت و آغاز سرکوب گسترده و خونین انقلابیون توسط رژیم بار دیگر زندانها مملو از جوانان دانشجوی و دانش آموز شد و گروه گروه در برابر جوخه های اعدام قرار گرفتند. نتیجه اصلی دهه خونبار شصت قلع و قمع گسترده انقلابیون و به طبع آن جنبش دانشجویی و حاکم شدن رخوت و رکود و یاس بر جنبش دانشجویی بود. آنچه از اواخر دهه هفتاد تحت نام

جنبش دانشجویی بروز و ظهور یافت دیگر هیچ سختی با ماهیت ضد استبدادی و ضد سرمایه داری این جنبش در گذاشته نداشت بلکه مصادره به مطلوبی بود که بخشهای مختلف سرمایه داری صورت دادند، دفتر تحکیم وحدت در رویارویی با قشرون راست رژیم که پایگاه شان در بازار سنتی و هیأت مولفه و روحانیت مبارز بود شکل گرفت، بخشی دیگر که در دوران خاتمی تحت نام دانشجویان اصلاح طلب به گرد احزاب قارچ گونه اصلاح طلب شکل گرفت مروج نئو لیبرالیسمی بودند که بعد از پایان جنگ با رئیس جمهور شدن رفسنجانی عرض اندام کرد. عناصر شاخص این جریانات اغلب افرادی بودند که در دهه شصت در زندانها بازجویی از دانشجویان انقلابی را بر عهده داشتند یا به مانند حجاریان از پایه گذاران وزارت اطلاعات رژیم بودند یا همچون سازگارا و گنجی از عناصر کلیدی سپاه بودند و اکنون یا در دوائر دولتی و پارلمانهای اروپایی مشغول به کارند یا از لابی منها کنگره و وزارت خارجه آمریکا هستند و در مصاحبه های مکرر با شبکه هایی چون بی بی سی و صدای آمریکا و غیره با درافشانی سنگ



## نگاهی گذرا به جنبش دانشجویی

بهروز

یافته بر علیه رژیم پهلوی شد جوانان دانشجوی در اغلب اعتراضات توده ای حضور داشتند و یا خود بوجود آورنده آن بودند. در این سالها جنبش دانش جویی خود را بخشی از مبارزات توده ها و در راستای به پیروزی رساندن این مبارزات میدید و به گواه تاریخ بسیار تاثیر گذار بود، زنان و مردان بسیاری از میانشان در این راه در زندانهای مخوف رژیم پهلوی جان باختند. با سقوط رژیم پهلوی و شکل گرفتن جمهوری اسلامی، دانشجویان هیچگاه از پای نایستادند و از آنجا که اغلب این جوانان فرزندان کار و زحمت بودند و پیوند تنگاتنگی با کارگران و زحمتکشان داشتند با درکی درست از ماهیت جنایتکارانه و غارتگر رژیم در خط مقدم پیکار با این جانیان قرار گرفتند، دانشگاهها مهمترین مرکز سازماندهی و هدایت اعتراضات توده ای شد، رژیم نو پای جمهوری اسلامی کوشید با تعطیلی و سرکوب همه جانبه دانشگاهها به زعم خود معضل دانشجوی را حل کند در یورش ددمشانه رژیم به دانشگاهها و مقاومت جانانه دانشجویان به همراه دانش آموزان و توده های مردم تعداد کثیری جان باختند

آذر ماه یاد آور یکی از روزهای بزرگ و ماندگار تاریخ مبارزات توده هاست که به درستی به نمادی برای هویت یابی و محور قرار گرفتن بخشی از نیروهای بالقوه و بالفعل جامعه در مبارزات ضد استبدادی و ضد امپریالیستی، شد. جان باختن "شریعت رضوی" "فندچی" "بزرگ نیا" سه دانشجویی که در ۱۶ آذر ۱۳۳۲، در اعتراضات دانشجویان به حضور نیکسون در ایران آن هم چهار ماه بعد کودتای خونین ۲۸ مرداد که امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار پهلوی را متوهم کرده بود که توانسته اند همه صداها را خفه کنند و با فراغ بال به غارت و چپاول و جنایت پردازند، جنبشی را عیان کرد که علیرغم همه خیانتها و جاه طلبی هایی که در جریان کودتای ۲۸ مرداد و پس از آن بروز کرده بود، به هیچ وجه قصد تسلیم و شدن و کردن نهادن به رژیم مستبد پهلوی و حامیانش را ندارد، جنبش دانشجویی شکل گرفته جنبشی به جد ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری بوده و در سالفهای آتی با آشنایی با نظرات و حرکتها انقلابی در سطح جهان، پایه گذار غالب تشکلات و حرکتها سازمان

سرمایه داری ایران را به سینه میزنند همچنان در تلاشند با تبلیغ و ترویج شیوه های مدنی!! جمهوری اسلامی را به سر عقل آورند تا رفتاری متمدنانه متناسب با جهان متمدن!! امروز در پیش گیرد و البته پاره ای همچون سازگارا پوست اندازی کرده و شعار بر اندازی رژیم میدهند تا رژیمی مدرن و دمکراتیک متناسب با جهان امروز!! شکل بگیرد. در نهایت همه یک هدف را دنبال میکنند نجات سرمایه داری ایران که این رژیم با رفتارهای توحش گونه قرون وسطایی آن را به خطر انداخته است. در این میان سرمایه داری برای نجات خود به همین اندازه بسنده نکرده و تمام همت خود را به کار گرفت تا هر گونه زمینه شکل گیری ورشد حرکت های آزادیخواهانه و سوسیالیستی در درون دانشجویان و دانشگاهها را خنثی و یا به انحراف کشاند، این وظیفه خطیر را جریانات بورژوازی که با رنگ و لعاب کمونیستی در درون جنبش کمونیستی نفوذ کرده اند بر عهده گرفته اند. به آنچه که این عناصر بر سر جنبش کمونیستی ایران آورده اند در وقت دیگری خواهیم پرداخت ولیکن آنچه که با جنبش اجتماعی و مبارزات جاری توده ها که بالطبع جنبش دانشجویی بخشی از آن است کرده اند، در اینجا قابل تامل است. مهمترین اقدام این طیف از جریانات به ظاهر کمونیستی ایجاد انشقاق و تفرقه در بین توده های مردم است تا از شکل گیری هر گونه اتحاد و همبستگی حول مسایل کلیدی و مهم مبتلابه جامعه جلوگیری کند، لقب جنبشی دادن و بخش بخش کردن و صنفی کردن فعالیت های انقلابی تاکتیک موثری بوده که در پیش گرفتند، جنبش علیه اعدام، جنبش نه به حجاب اجباری، جنبش برای کودکان کار،

جنبش معلمان، جنبش کارگران هفت تپه، جنبش حفظ محیط زیست، جنبش چهارشنبه های سفید، جنبش بازنشستگان، جنبش دفاع از حقوق حیوانات، و دهها جنبش دیگر که خلق شده یا خواهد شد وهمچنین جنبش دانشجویی، با این اقدام آنچه مد نظرشان بوده متمرکز کردن فکر و نیروها حول موضوعی مشخص و پرداختن به آن بوده تا با به انحراف بردن اذهان از این واقعیت که تمامی کاستی ها و بی عدالتی ها و فقر و فلاکت موجود ناشی از مناسبات فاسد و ارتجاعی سرمایه داری و رژیم ددمنش کارگزارش است دور کنند و با جنبه صنفی بخشیدن به خواستها از بار سیاسی آن بکاهند. در این بین جنبش دانشجویی هم از این تهاجم در امان نمانده، اینک این جنبش که بیشتر به حرکتی اینستاگرامی بدل شده به مانند دهه های چهل و پنجاه و شصت قابلیت هیچگونه تأثیر گذاری و حرکت آفرینی ندارد و صرفا به زائده ای دنبال رو از وقایع شده و عناصر آن به همین دلخوشی کرده اند که با مقداری مطالعات پراکنده لمیده بر روی مبل و فنجانی چای و یا.. به دست در فضای مجازی به خصوص اینستا اظهار فضل نموده و شب بر بالین دلچسب شان با وجدانی آسوده از مبارزه ای که کرده اند خوابی آرامش بخش را تجربه کنند و شاید فردا برای خالی نبودن عریضه در دانشگاهی شعار آزادیخواهی و برابری

طلبی سردهند تا خوراک پستی در اینستا شده و آنجا دیده شوند. در حالی که چنین تجمعات و اعتراضاتی تقریبا هر روزه در هر شهر و روستا بروز میکنند با جمعیتی بیشتر، خواسته هایی واقعیت تر، شعارهایی کوبنده تر و مشتانی گره کرده تر، اکنون کل جنبش دانشجویی خلاصه شده در همین فضا، گشت و گذار در فضای مجازی زیر نگاه های تیز بین دستگاه های امنیتی رژیم و بدون اینکه یک بار از خود پرسند چرا چنین است؟ چرا کتاب فروشهای محترمی! در اینستا به راحتی نایترین کتابهای کمونیستی را عرضه و به آدرسها ارسال میکند؟ چرا اینستا آکنده از پستهای آتشین و تحلیل های پر طمطراق و طنزهای تند و تلخ و گزنده است و کسی متعرض نمیشود؟ آیا جانیان مزدور رژیم خوابند یا گورند؟ آیا رژیم دمکرات شده؟ یا چنین اقداماتی را میپسندد تا همه فقط مشتی حرف بی خاصیت بزنند و با هم درگیر شوند و سرگرم باشند و وحدت نیابند و میدان را برای جولان جریانات ضد انقلابی و وحشیگریهای رژیم باز بگذارند. این آن دست آورد ارزشمندی است که که جریانات بورژوازی به ظاهر کمونیستی برای سرمایه داران غارتگر و کارگران و توده های بلازده و گرفتار در بیکاری و فقر و فلاکت به ارمغان آورده اند و دانشجویان ما به سادگی و عمدتا از سر ناآگاهی در خدمت این اهداف پلید قرار گرفته اند.

جمهوری فدراتیو شورایی ایران. دیکتاتوری پرولتاریای شهر و روستاست که برای امحای سرمایه داری. لغو مالکیت خصوصی بورژوازی بر ابزار تولید و مبادله. محو استثمار انسان توسط انسان و استقرار سوسیالیسم که در آن رفاه. آزادی و برابری حق طبیعی و غیر قابل انکار هر انسان است و در چهارچوب آن وسیع ترین آزادیهای سیاسی و عقیده و بیان برسمیت شناخته می شوند. تلاش می کنند.

زديم چه كار ميتوانيد بكنيد " هيچ عكس  
العملی بروز نداد.

ما با رژيمي روبرويم كه از  
خونريزي و كشتار براي ايجاد  
رعب و وحشت به راحتی  
استفاده ميكند و البته همه اين  
اقدامات از روی ترس است و  
در پس اين عربده كشي ها  
ترس خود را پنهان ميكند. رژيم  
به لحاظ روانی حكم لمپنی را  
دارد كه در محله ای با عربده  
كشي و نفس كشي طلبیدن و  
ايجاد ترس اميال خود را دنبال  
ميكند و چنانچه با مقاومت  
افراد و اراده ای قدرتمند تر  
مواجه شود به سادگی تسليم  
ميشود، اکنون این رژيم كردن  
كش جانی را تنها قدرت توده  
های متحد ميتواند به تسليم و  
شكست وادار كند.



## هرگ كسب و كارشان است

متاسفانه چنین نشد، جمهوری  
اسلامی به خوبی به ضعف ها و ناتوانی های  
كشورهای اروپایی واقف است و به خوبی از  
آن بهره برده. رژيم با گردن كشي و راه  
اندازی دارو دسته های جنایتكار به مانند  
باندهای مافیایی كه شهری را به گروگان  
ميكيرند و مقامات شهری را در خدمت خود  
قرار میدهند، در منطقه خاورمیانه چنین  
كرده تا جایی كه آوازه اش موجب هراس  
دائم دول اروپایی شده و مدام به  
باجگیریهای رژيم كردن نهاده اند. در  
منطقه هم شیخ های عافیت طلب و خوش  
نشین خلیج در برابر پرخاشگریها و شاخ و  
شانه كشیدنهای رژيم همواره راه سكوت و  
تسليم در پیش گرفتند، اما همین رژيم قلدر  
در برابر حملات و بمبارانهای تقریباً روزمره  
اسرائیل به مواضع و پایگاهها و نیروهای  
مزدورش در منطقه و كشته شدن تعداد  
كثیری از این مزدوران سیاست سكوت و  
سانسور اخبار مربوط به این حملات را پیشه  
كرده تا جایی كه حتی وزیر دفاع اسرائیل  
در صحبتی اعلام كرد كه " فخری زاده را ما

این روزها مصادف است با سالگرد جنایت  
فجیع سرنگون كردن هواپیمای اوكرائینی  
توسط موشكهای سپاه پاسداران و به قتل  
رساندن عمدی ۱۷۶ زن و مرد و كودك،  
جنایتی كه مطابق روال معمول با مامشات و  
باری به هر جهت رفتار كردن اتحادیه اروپا  
شامل مرور زمان شده و عملاً اخبار و  
مطالب مرتبط با آن به بوته فراموشی  
سپرده شده، نه تحقیقات آن به نتیجه  
رسیده ( در اقدامی مضحك كسورهای  
اروپایی پذیرفته بودند كه خود رژيم كار  
تحقیق بیرامون این جنایت را دنبال كند ) نه  
متهمی معرفی شده و نه غرامتی پرداخت  
شده است. متوسل شدن به جنایت و حذف  
فیزیکی افراد روبه معمول چهل ساله  
جمهوری اسلامی بوده و همیشه با سكوت و  
بعضا همراهی دیگر كسورها و مجامع  
جهانی هر آنچه خواسته انجام داده ولی  
قتل عام دسته جمعی عده ای با شلیك  
موشك از آن دست جنایاتی است كه انتظار  
میرفت به شكل وسیعی مورد اعتراض جامعه  
جهانی قرار گیرد و جمهوری اسلامی را  
تحت فشار قرار داده و پاسخ گو كند ولی



داشت . چنانچه خدا بخواهد و کمکی کند بتوانی از اردوگاهی خلاص شوی تازه با واقعیت های دنیای غرب پی میبری که اگر جیب پر پول داشته باشی همه جا وطن توست و همه جا برایت بهشت میشود و فقر و نداری همه دنیا را برایت جهنم میکند ، آسایش و رفاه و خوشبختی و وطن به جیب تو بستگی دارد ، هر کجا بتوانی دست در جیب دیگران کنی موفقی و هر کجا دیگران دست در جیبت داشته باشند همیشه بازنده ای . این قائده همه جای دنیا حکمرماست عده ای قلبی با انواع قوانین و مقررات که خود مینویسند و خود اجرا میکنند به غارت و چپاول دسترنج مابقی جامعه مشغولند و سعادت دنیا و آخرت را برای خود میخرند ، عده ای هم به جای بیرون کشیدن حق خود از حلقوم این زالوصفتان در حسرت دنیای غرب میسوزند ، تا زمانی که فقط نظاره گر این همه دزدی و جنایت و فساد باشیم و فقط چاره کار را فرار و خلاصی از این وضعیت بدانیم نه تنها به زندگی بهتری دست نخواهیم یافت بلکه حتی در شرایط اسف بارتری قار خواهیم گرفت . برای آزادی و برابری و آسایش و رفاه خود و خانواده هایمان باید بمانیم و بجنگیم و حق خود را با قدرت از سرمایه داران غارتگر پس بگیریم . دمکراسی آن چیزی است که در خدمت کارگران و زحمتکشان و تهیدستان باشد و غیر از این جز بردگی و بندگی مدرن چیزی نیست .



دریا میزنند به امید اینکه قاجاق بران محترم و شریف که در مرزها فقط برای خدمت رسانی به این عزیزان مهاجر مستقر هستند آنها را به دنیای پاکی و رفاه و آسایش و عدالت برسانند ، یخ زدن در کوهها هلاک شدن از تشنگی و گرسنگی در بیابانها و غرق شدن کودک و بزرگسال در دریاها نتیجه اولیه این انتخاب است . بازماندگان هم وقتی میرسند پلیس و زندان و داغ و درفش و اردوگاههایی بدون کمترین امکانات زندگی حتی حیوانی به انتظار نشسته است ، برای لقمه نانی و جرعه آبی تمام شرافت و غرور را میبایست زیر پا گذاشت و با گردنی کج چشم به دست و کرم خیران غربی

وقتی پای صحبت حضرات به اصطلاح طرفدار غرب میشینی در وصف دمکراسی غربی و زندگی آزاد و رها در اروپا و آمریکا سخنرانیهای غرایبی میکنند ، در رادیو و تلویزیونها ، در فضای مجازی ، در نشریات مختلف ، در محافل و مجالس آنچنان مدینه فاضله ای ترسیم میکنند که آدمی انگشت به دهان میماند از این همه اختلاف جایی که ما زندگی میکنیم با جایی که آنها زندگی میکنند ، پس باید عزم را جزم کرد و جلای وطن نمود و وطن دیگری اختیار کرد ، زن و مرد ، کودک ، خردسال و بزرگسال حاصل عمری جان کردن را بار کوله ای میکنند به کوه و دشت و رودخانه و

تغییرات به نفع توده های زحمتکش و تحت ستم و استثمار و رسیدن به آزادی برابری هم مقدور است و هم ممکن. اما برای دست یافتن به این گوهر گرانبها باید مبارزه کرد و از فراز و نشیب ها و سختی راه نهراسید. متأسفانه در سالهای اخیر خودکشی میان نوجوانان و جوانان مدام در حال افزایش است. افزایش خودکشی علاوه بر اختلالات روانی که منشاء آن هزار و یک مشکل لاینحل دیگر در جامعه و خانواده میتواند باشند، اما اساس این خودکشی ها و خود سوزیها ناشی از فقر خانواده ها و بیکاری، نبود امنیت شغلی و جانی و نداشتن چشم اندازی روشن از آینده است. توصیه ما به جوانان این است که به جای ناامیدی و دست زدن به خودکشی با هم تماس گرفته و متشکل شوند. همزمان با سازمانها و مجامع انقلابی از جمله سازمان اتحاد فدائیان کمونیست تماس بگیرند و برای رسیدن به خواست ها و اهداف شان راه مبارزه و مقاومت درپیش بگیرند که تنها راه خلاصی از وضعیت فلاکتبار کنونی همانا سرنگونی رژیم مذهبی و ارتجاعی و خلع ید از طبقه حاکم و سازماندهی جامعه ای است که در آن انسانها حاکم بر سرنوشت خویش اند و از ستم و استثمار و زور و سرکوب خبری نیست و هیچکس مجبور نیست در نتیجه فشارهای اقتصادی ، اجتماعی و نبود آزادی و عدالت اجتماعی دست بخودکشی زده و زندگی خود را فنا کند .



## من هم یلدا داشتم!

شیرین

هنوز سر شب است ، اما خلوت تر از هر شب شده ، دستهایم یخ زده ، ساعت از ۹ گذشته است ، دستهایم را که ۱۱ می کنم ترک هایم می سوزد ، هنوز ۱۳ دعای دیگر مانده ، دیگر همه دیرشان شده است و به من نگاه هم نمی کنند ، می دوند و تند تند آجیل ها شیرینی ها را توی ماشین می گذارند و می روند ، کسانی هم که در ماشین هستند ، هی به ساعت نگاه می کنند . هنوز چند نفری در شیرینی فروشی مانده اند ، زمان تند تند می گذرد و من ۱۳ دعای دیگر دارم ، امشب سرد تر است و تنم یخ کرده ، آخ اگر امشب کتک بخورم ، بیشتر درد می آید ، اگر نفروشم خدادا باز هم می زند ، تلویزیون گفته این شب یلدا را در خانه بمانیم ، ولی از عصر خیلی شلوغ بود ، و انگار من نا مرعی شده بودم ، هیچ کس مرا نمی دید .

دماغم را به شیشه می چسبانم و منتظر می شوم که کسی خریدش تمام شود و بیاید ، شکلات های رنگی دهن کجی میکنند ، از من بدشان می آید بچه های لباس رنگی کلاه مخملی را دوست دارند ، من هم نگاهشان نمی کنم .

معلممان می گفت این شب بلند ترین شب است در یک سال ، اسمش یلداست و همه در این شب کنار هم جشن میگیرند و مهمانی می روند ، اما امسال نباید مهمانی رفت چون مریضی هست . و من فکر میکردم حتما در این شب به این بلندی همه دعا ها

نیست ، شب طولانی یلدا ، من نتوانستم دعا بفروشم ، پس چرا اینقدر کوتاه بود؟!!!!! خیابان خلوت تر از هر شب است ، همه کنار بخاری ها خزیده اند ، بچه های خوشحال لباس رنگی ، شکلات های رنگی می خورند و هم شکلات ها و هم بچه ها خوشحالند و می خندند ، - من هم یک مشت آجیل دارم ...

داروخانه کمی گرم تر از بیرون است ، آنجا خوب است ، روی صندلی مریض های منتظر می نشینم ،،،، دمپایی ام را در می آورم و پاهایم را به هم می مالسم ، انگشتانم را حس نمی کنم ، آجیل های شور خوشمزه است ، گرمای داروخانه و آجیل و صندلی ، من هم یلدا داشتم امشب.... تا ۱۲ خیلی مانده ، پولها را می شمردم و در جیبم می گذارم .

- کتک را که میخورم ، پس بی خیال زود تر می روم و در این شب طولانی یک ساعت بیشتر بخوابم .

شیرین

را می فروشم ولی نمی دانم چرا همه امشب زودتر رفتند!!! یکی از مشتری ها با دستهای پر می آید ، من هم می دووم تا به او برسم ، دنبالش راه می افتم و اصرار میکنم

- بخر دیکه ترو خدا  
- عه چرا ماسک نداری ، برو عقب.. (امروز خداداد ، ماسک نداد گفت ندارم چه خبر است هر روز ماسک ، هر کس نفروخت کتک می خورد ، خود دانید)  
نگاهم نمیکند تا جلوی ماشینش با او می روم ،  
- یه دونه بخر ، یه دونه ...

وسایل را روی صندلی عقب می گذارد و در را می بندد ، لحظه ای می ایستد ، در را دوباره باز می کند و دستش را توی کیسه پلاستیک بزرگ و لای خرید ها می چرخاند ، یک مشت آجیل کف دستم میریزد انگار خیالش راحت تر می شود ، با عجله می نشیند و می رود .

به آجیل های کف دستم نگاه می کنم و به مغازه ، دیگر مغازه شیرینی فروشی خالی شده ، یاد کمر بند خداداد می افتم ، چاره ای نیست ولی فکر کنم اگر بچرخم تا همه یک جا نخورد آنقدر ها هم تحملش سخت

## بهمناسبت ۲۱ آذر، هفتاد و پنجمین سالگرد جنبش انقلابی و دموکراتیک آذربایجان

۲۱ آذر امسال هفتاد و پنجمین سالگرد جنبش انقلابی و دموکراتیک آذربایجان است. جنبشی که به همت کارگران، دهقانان، روشنفکران و توده محروم آذربایجان، در یکی از بحرانی ترین ادوار تاریخ ایران بوقوع پیوست و به پیروزی رسید. بعد از شکست انقلاب مشروطیت و تسلط استبداد رضاخانی و سرکوب هرگونه صدای آزادیخواهی در ایران، قیام توده های زحمتکش آذربایجان اولین جنبش انقلابی بود که بر علیه ستم و استثمار و سرکوبگری طبقه حاکم بر خواست از نقطه نظر مضمون عمیقاً دموکراتیک انقلابی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه نمونه ای پیشرو نه تنها در عرصه ایران بلکه کل خاورمیانه محسوب میشود.

در مدت کوتاه استقرار حکومت خودمختار آذربایجان تغییرات گسترده ای در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رخ داد.

– برای اولین بار در ایران و منطقه، آزادی زنان از بند قوانین زن ستیز دولتی و مبارزه با سنت های ارتجاعی زن ستیز آغاز شد. در آذربایجان زنان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس ملی، انجمن ها و یا همان شوراهای ایالتی و ولایتی و تمام ارگانهای شهر و روستا با حقوق برابر با مردان را کسب کردند.

– انجام اصلاحات ارضی و تامین زیر ساختهای نوین برای ارتباط روستاها و شهرها،

– تاسیس دانشگاه و ایجاد کتابخانه ها، پارک ها و مراکز آموزش

– تحصیل بزبان مادری در تمام مقاطع تحصیلی که در محدوده حکومت آذربایجان این حق شامل سایر اقلیت ها از جمله کردها، ارمنی ها، آسوری ها نیز میشد

– تصویب قانون کار و بیمه های اجتماعی همه شمول و تصویب روز کار ۸ ساعته و تامین برابری مزد زنان با مردان، حق کار و داشتن مسکن مناسب و تاسیس مهد کودک ها و قرائت خانه ها

– آزادی اندیشه و بیان و مطبوعات و انتشارات و شکل و تحریر

– کشیدن جاده ها، آسفالت خیابانها و نوسازی کارگاه ها و کارخانه ها و ایجاد صنایع مدرن

– ۲۱ آذر به تفرقه و دشمنی بین خلقها که ارتجاع حاکم در همدستی با روحانیون و دربار برای حفظ منافع خود بوجود آورده بودند، پایان داد و پایه و اساس دوستی بین ملل ساکن ایران را بنا نهاد و با خلق زحمتکش کرد معاهده دوستی و همکاری در جهت دگرگونی جامعه به نفع توده های زحمتکش امضاء کرد.

و تلاش در این جهت بود که جنبش انقلابی آذربایجان در سرتاسر ایران و منطقه با استقبال توده های زحمتکش مواجه شد. هر چقدر که این جنبش بواسطه دست آوردهایش میان توده زحمتکش و جریانات مترقی محبوبیت مییافت، به همان اندازه ارتجاع حاکم و امپریالیست ها را به هراس افکنده بود و در ترس از الگو قرار گرفتن جنبش انقلابی آذربایجان در سایر مناطق ایران و کشورهای همجوار، با آن بدشمنی برخواستند.

سرانجام امپریالیسم و ارتجاع داخلی و تمام مرتجعین از هر قماش که منافع خود را در خطر میدیدند، متحد شدند و به بهانه برگزاری انتخابات تمام تعهدات خود را زیر پا گذاشته و به آذربایجان یورش آوردند. بعد از آن به کردستان تاختند. ارتش شاهنشاهی دست در دست خانها و فئودال ها و سران ایلات و عشایر و روحانیون و ارازل و اوباش و تبهکاران فجایع خونینی را بوجود آوردند که توده های زحمتکش آذربایجان و کردستان هرگز فراموش نخواهند کرد.

امروز با گذشت هفتاد و پنج سال از ۲۱ آذر، ستم ملی و استثمار و بی حقوقی خلقهای تحت ستم و استثمار آذربایجان، کردستان عرب و بلوچ و غیره همچنان برقرار است. مبارزه علیه ستم ملی با یکپارگی ستم طبقاتی و جنسیتی در آمیخته است و مبارزه کارگران و زحمتکش در اقصی نقاط

ایران به اشکال مختلف برای تحقق خواست های تاریخی شان از جمله رفع ستم ملی و کسب حق تعیین سرنوشت، ادامه دارد.

سازمان ما طرفدار برابری کامل حقوق همه خلقها و نیز اقلیت های مذهبی ایران است. ما بر این باوریم که خلقهای زحمتکش ایران تنها از ستم ملی نیست که رنج میبرند بلکه از ستم طبقاتی و جنسیتی و فقدان آزادیهای سیاسی و رفاه اجتماعی و غیره نیز در رنج و عذابند. آنهاییکه ستم ملی را روا میدارند، آنهاییکه با تشدید استثمار شیره جان کارگر ترک و کرد و لر و بلوچ و ترکمن و عرب غیره را میمکنند و از راه رانت خواری، فساد، دزدی، نپرداختن حقوق کارگران و کارمندان، ویرانی کشاورزی و به فقر و آوارگی کشاندن روستائیان و ترویج فساد، اعتیاد و نفی حقوق زنان، کودکان، بزور سرنیزه و سرکوب بر ایران حکومت میکنند، صاحبان قدرت و ثروت و بقول معروف مافیای قدرت و ثروت هستند که تنها با اتحاد کارگران و زحمتکش و همه جنبشهای انقلابی از جمله جنبش رفع ستم ملی است که میتوانند با سرنگونی انقلابی این رژیم میتوانند مافیای قدرت و ثروت را از اریکه قدرت به زیر کشیده و با استقرار جمهوری فدراتیو شورائی، سرنوشت خویش را در دست گیرند.

در هفتاد و پنجمین سالگرد تشکیل جمهوری خود مختار آذربایجان یاد تمام جانبازان این جنبش انقلابی تاریخی را که در راه آزادی و برابری جان فدا کردند، گرامی میداریم و همراه با کارگران و زحمتکش آذربایجان و در همبستگی با سایر خلقهای تحت ستم و استثمار ایران به مبارزه تا رسیدن به خواستها و آماجهای تاریخی آنها، ادامه خواهیم داد.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی**  
**برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی**  
**زنده باد سوسیالیسم**  
**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست**  
**۲۱ آذر ۱۳۹۹**



واژه ها و مقوله های فلسفی، سیاسی و اجتماعی

سکتاریسم

واژه سکتاریسم که درست آن سکتاریسیسم یا Sectarianism می باشد، از ریشه سکت مشتق شده است. سکت عموماً به فرقه های مذهبی اطلاق می شود و به معنی گروهی از مردم است که دارای فلسفه و مذهب مشترک هستند. سکتاریست به کسی گفته می شود که خود را تمام و کمال به فرقه خود اختصاص داده و به خاطر حمایت تعصب آمیز و تعیدی از آن، محدود اندیشی و یک جانبه نگر است. در ادبیات سیاسی سکتاریسم همچنین به مفهوم نفی تعصب آمیز دیگران، تقدیس گروه خود و جدائی از جریانهای توده ای به کار می رود.

رشد تمایلات سکتاریستی در گروه ها و سازمانهای چپ از لحاظ تاریخی به پروسه شکل گیری جریانات روشنفکری بر می گردد. به موازات رشد مناسبات سرمایه داری و بالا گرفتن مبارزات طبقه کارگر در اروپای قرن نوزدهم، روشنفکران نیز به طرف طبقه کارگر جلب شدند. اما از آنجا که طبقه کارگر نمایندگان طبقاتی ارگانیک خود را تربیت نمی کند و ایدئولوگها و رهبران آن از لحاظ تاریخی از خارج از طبقه، به طبقه منتقل میشوند، از همان آغاز رشد جنبشهای کارگری اختلاف نظر بر سر تحلیل از جامعه سرمایه داری و نقش پروتاریا در تحولات اجتماعی، در میان گروههای مختلف روشنفکری بروز نمود.

پروودنیسم، لاسالیسم، و بلانکیسم بترتیب بیانگر تمایلات تخیلی، رفرمیستی و آنارشستی در میان جنبش طبقه کارگر بودند. این گرایشها که هیچکدام با اهداف تاریخی پروتاریا همخوانی نداشتند. یگانگی طبقه کارگر را خدشه دار نمودند. هر گروهی بزعم خود بهترین راه حلها را برای مشکلات جامعه جدید و رهایی کارگران

نظری موجود در حزب سوسیال دمکرات روسیه، وی سعی می نمود حتی الامکان از انشعاب و تکه پاره شدن حزب جلوگیری کند. با اوج گیری اختلافات درون حزب در سال ۱۹۰۳ لنین قاطعانه با تمایلات سکتاریستی و محفلی گروههایی که انشعاب را تحمیل می نمودند، مقابله نمود. در مورد اختلافات درون حزب، لنین قضاوت توده های کارگر را می طلبد. وی در تأیید نظرات پلخانف در مورد عدم ضرورت انشعاب نوشت:

” اعتماد بیشتر به قضاوت مستقل کل بدنه حزب! تنها کارگران حزب قادرند که کله شقی گروهکهای که متمایل به انشعاب هستند را کنترل کنند. تنها آنها با تأثیر آهسته، ظریف، اما پیگیر خود قادرند این گروهکها را با ” نیت خوب ” وادار به رعایت دیسیپلین حزب کنند. تنها آنها می توانند شعله های سرکش فردگرائی آنارشستی را مهاده کرده و به خاطر بی طرفی شان، جزئی بودن اختلافاتی که به وسیله عناصر متمایل به انشعاب اغراق شده، را نشان داده و ثابت نمایند ” (مجموعه آثار، جلد ۷، صفحه ۱۱۶).

در ژانویه سال ۱۹۰۴ در متن قطعنامه شورای حزب در مورد ضرورت استقرار صلح، هماهنگی و همبستگی در حزب، لنین تأکید نمود که اختلاف نظرها نباید مانع مبارزه و عمل مشترک شود:

” تفاوتهای فردی در مورد مسائل مختلف همیشه موجود بوده و یقیناً در حزبی که بر یک جنبش وسیع توده ای متکی است، بوجود خواهد آمد و در واقع در حکم سخنگوی آگاه آن جنبش است. وجود تفاوت های فردی موکداً مانع رشد تمام نظرات محفل گرایانه و سکتاریستی تنگ نظرانه خواهد شد. اما اگر اعضای حزب ما می خواهند که نمایندگان شایسته پروتاریا آگاه و مبارز باشند و در جنبش جهانی طبقه کارگر شرکت نمایند، باید نهایت تلاش خود را بکار برند تا تفاوت های فردی در تفسیر و تشخیص اصول برنامه حزب ما، در مورد کار مشترک هماهنگ تحت هدایت نهادهای مرکزی ما اخلاقی بوجود نیاورد و یا قادر با اخلاقی کردن نباشد“

ارائه می داد و بر صحت نظرات خود پای می فشرد. در میان این گرایشها، بلانکیسم نه تنها از لحاظ نظری جنبش طبقه کارگر را دچار انحرافات نمود. بلکه سکتاریسم تشکیلاتی را نیز پایه گذاری کرد. لویی آگوست بلانکی (۱۸۰۵-۱۸۸۱)، انقلابی فرانسوی، بر تشکیل گروهی محدود از انقلابیون با دیسیپلین تأکید داشت که می بایست قدرت سیاسی را جدا از مبارزات توده ای و از طریق ” توطئه انقلابی ” کسب کنند. وی هیچگونه اعتقادی به پتانسیل طبقه کارگر برای رهبری انقلاب نداشت.

از آنجا که روشنفکران متشکل در گروههای محدود، ظاهراً خیلی سریع تر به ” درک ” مسائل و ” راه حل ” های آنها می رسند و هدایت و رهبری یک جمع کوچک بمراتب از رهبری مبارزات توده ای آسانتر است، تفکر بلانکیستی منجر به جدائی گروههای روشنفکری از مبارزات وسیع توده ها میگردد.

مارکس و انگلس شدیداً جنبش های سوسیالیستی انگلستان و آمریکا را بخاطر جدائی شان از جنبش طبقه کارگر مورد سرزنش قرار میدادند. سوسیالیستهای انگلیسی و آمریکائی مارکسیسم را تا حد یک دگم گروهی تنزل داده بودند. آنها مارکسیسم را یک اعتقاد تلقی میکردند تا راهنمای عمل. از اینرو آنها قادر نبودند خود را با جنبش توده ای طبقه کارگر که از لحاظ تئوریک ناتوان، ولی زنده و قدرتمند بود و در کنار آنها حرکت میکرد، منطبق سازند (رجوع شود به منتخب مکاتبات مارکس و انگلس).

لنینیسم در حقیقت در بستر تلاش برای متحد کردن گروههای روشنفکری مختلف در یک حزب انقلابی واحد با پایه های وسیع توده ای شکل گرفت. علیرغم مبارزه قاطعانه لنین علیه انحرافات



( لنین، مجموعه آثار، جلد ۷، صفحه ۱۴۸ - ۱۴۷).

مرزبندی قاطع لنین، با سکتاریسم و تنگ نظری همچنین در توجه خاص وی به کارگران غیر حزبی خود را نشان می دهد. او همانند انگلس به جنبش زنده و وسیع طبقه کارگر، علی‌رغم اشتباهات و انحرافات آن، ارج می نهد. به نظر او اهمیت همبستگی و اتحاد بخش های مختلف طبقه کارگر خود از محتوای یک پلاتفرم انقلابی بیشتر است. در این مورد وی نقل قولی از انگلس را ذکر می کند: " هر چیزی که انسجام و همبستگی ملی حزب کارگران را به تاخیر اندازد یا از آن جلوگیری کند، صرف نظر از اینکه چه پلاتفرمی باشد، به نظر من یک اشتباه بزرگ است " ( لنین، مجموعه آثار، جلد ۲، صفحه ۳۶۳).

این اعتقاد از اینجا ناشی میشد که به نظر لنین کارگران از اشتباهات خود درس آموزی نموده و آنها را در پروسه مبارزه، تصحیح خواهند کرد.

امروز سکتاریسم و تنگ نظری در جنبش کمونیستی خود را عمدتاً به دو صورت نشان می دهد: ۱. جدائی گروههای چپ از جنبش کارگری و توده ای و ۲. شکاف بین خود نیروهای چپ و عدم همکاری و اتحاد عمل بین آنها. این هر دو لطمات زیادی به یکپارچگی و یگانگی مبارزات طبقه کارگر زده است. اصلی ترین مشخصه های سکتاریسم عبارتند از: تعصب گروهی و نفی گروههای دیگر، بی توجهی به مبارزات توده ای طبقه کارگر و بویژه خواسته های اقشار غیر

پرولتری و مبارزات نیروهای دمکرات، جدا کردن مکانیکی پرولتاریا از اقشار دیگر جامعه، ضدیت هیستریک با دگراندیشی و دگراندیشان، احساس عدم امنیت در مقابل هر آنکه از گروه خودی نباشد و اعتقاد به این امر که اغیار همواره توطئه ای را تدارک می بینند، اعتقاد به فرزانیگی نخبگان و رهبران و بی اعتقادی به پتانسیل و نقش انقلابی توده ها.

به جرات میتوان گفت که سکتاریسم و تنگ نظری عمده ترین عامل ضعف، پراکندگی و تفرقه چپ انقلابی در کشورهای عقب مانده است. این انحراف که خود از تنگ نظری فرهنگ خرده بورژوائی غالب در این کشورها ریشه میگیرد، در موارد بسیاری توده ها و اقشار دمکراتیک مردم را به طرف آلترناتیوهای بورژوائی سوق داده است. هنر انقلابی بودن در محدود کردن و جدا ساختن خود از دیگران و توده ها نیست، بلکه در این است که چگونه اهداف انقلاب را در بین وسیع ترین اقشار مردم تبلیغ نمود، و با گسترده کردن صف انقلاب، نظم جان سخت بورژوازی را برهم زد. در خیل دشمنان شناخته شده و تا شناخته انقلاب، روشنگری نمود، اما از مسیر انقلاب خارج نشد. در مسیر پیچ در پیچ انقلاب، پرولتاریا انقلابی باید اتحاد عملها، ائتلافها و وحدتهای بسیاری را پشت سر بگذارد. تنها در این پروسه است که پرولتاریا هنر رهبری را می آموزد.

## کارگران و زحمتکشان ، جوانان

### آگاه و مبارز:

تحقق آزادی و برابری، از بین بردن بیکاری و فقر و فساد و فحشا، رفع معضل کار کودکان، پایین بودن دستمزدها، مشکل بیمه و بازنشستگی، حل بحران آب و خشک شدن دریاچه ها، نابودی جنگلها و محیط زیست، حتی تامین ابتدایی ترین نیازهای روزانه زندگی، مانند آب آشامیدنی وووو فقط با سرنگونی انقلابی رژیم پلید جمهوری اسلامی میسر خواهد بود. تمام جناحها و ارگانهای حاکمیت در یک چیز با هم متحدند، حفظ جمهوری اسلامی و سرکوب هر حرکت اعتراضی که بقاء آن را تهدید کند و در وقایع ماههای اخیر به خوبی آن را نشان دادند. باید متحد و یکپارچه با گسترش تظاهرات و برپایی اعتصابات گسترده و سراسری حاکمیت را فلج کنیم.

اینک رژیم در ضعیفترین شرایط اقتصادی و سیاسی عمر خود قرار گرفته، تنها راه تحقق همه مطالبات، اعتراضات گسترده خیابانی و اعتصاب عمومی و تعرض به بنیانهای اقتصادی و سیاسی رژیم است. برچیدن بساط این رژیم فاسد و جنایتکار و بدست گرفتن قدرت توسط کارگران و زحمتکشان تنها راه رهایی از گرسنگی و فقر و بیخانمانی و استبداد است.

و این ممکن نیست جز با متشکل شدن و پیوند خوردن با کمیته ها و هسته های نیروهای انقلابی در شهرها و محلات و با سازماندهی و متمرکز عمل کردن، است.

وظیفه کمونیستها تنها فورموله کردن تئوری انقلاب ایران نیست. بلکه تنوریزه کردن ساختمان آن حزب انقلابی است که وظیفه دارد پیوند تئوری و پراتیک را عملی و رهبری این انقلاب را عهده دار گردد. بنابراین اهمیت این تئوری در آن خواهد بود که نقطه آغاز بر جمع بندی انتقادی پراتیک گذشته بمنظور فائق آمدن بر موانع راه آینده این پیروزی استوار باشد.

ما کمونیستهای فدائی چه در درون سازمان و چه در بیرون از آن. همیشه این بحث عمومی را دنبال کرده ایم که چگونه می توان ساختمان حزب. برنامه. اساسنامه. سبک کار. استراتژی و ..... را با یک ارزیابی انتقادی از گذشته تاریخی. از بهر آنها و از شکستها و پیروزیهای جنبش کارگری و مبارزات طبقاتی نوسازی کنیم. بنابراین بازنگری به گذشته را بمثابة چراغ راه آینده برای واقعی بودن و نتیجه بخش بودن هر برنامه و اقدامی ضروری می شماریم. - از برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست "

## فراخوان. راز ماندگاری حماسه سیاهکل



بی هیچ تردیدی حتی به اعتراف بلند گوهای تبلیغاتی سرمایه داری یکی از بزرگترین و تاثیر گذارترین وقایع تاریخ معاصر ایران که تحولی شگرف در جنبش کمونیستی ایران و مبارزات ضد استبدادی و ضد سرمایه داری بوجود آورد، اقدام حماسی رفقای ما در سیاهکل و شکستن جو کاذب و پوшالی اقتدار و قدر قدرتی رژیم پهلوی که حاصل سالها ددمنشی و جنایت با همراهی مستی خود فروختگان کاسه لیس

بوده ، و اکنون در آستانه فرا رسیدن پنجاهمین سالگرد این حماسه غرور آفرین، ما فعالین داخل کشور در همراهی با شورای برگزاری این سالگرد، از همه رفقای فدایی فارغ از تعلق تشکیلاتی دعوت میکنیم برای هر چه با شکوهرت برگزار کردن آن تمامی مساعی خود را به کار گیرند و بدین منظور بر آن شدیم که به سهم خود با انتشار ویژه نامه ای در خور عظمت نام رفقای دلیرمان به استقبال این روز برویم، بدین منظور از همه رفقای فدایی تقاضا میکنیم ما را در انجام این کار یاری رسانید و شعرها، خاطرات، مقالات تحلیلی و... خود را تا پایان دیماه به آدرس های سازمان "اتحاد فداییان کمونیست" و کمیته تهران سازمان و یا نشریه راه سرخ ارسال کنید تا در ویژه نامه "راه سرخ" درج شود. بر این باوریم که بی شک گرامیداشت گسترده و شایسته این حماسه بزرگ که روزی جنبش کمونیستی در محاق رخوت و سکوت گورستانی فرو رفته را متحول ساخت، میتواند در جنبش کمونیستی در محاق پرگویی و بی عملی تاسف بار فعلی تاثیر گذار باشد.

سازمان اتحاد فداییان کمونیست - کمیته ایالتی تهران

۲۸/۹/۹۹

کارگران پیشرو و مبارز!

با سازماندهی کمیته های مخفی کارخانه. هسته های سرخ و با تلفیق فعالیت علنی و مخفی به توده کارگران در جهت ایجاد شکل های مستقل و تحقق خواسته های فوری شان یاری رسانید.

از طریق ایمیل زیر گزارشات ، نظرات و پیشنهادات ارزشمند و انتقادات سازنده خود را با ما در میان بگذارید و ما را در بالا بردن کیفیت نشریه و انجام وظایف انقلابی مان یاری رسانید.

[Rah\\_sorkh@yahoo.com](mailto:Rah_sorkh@yahoo.com)

تماس با سازمان اتحاد فداییان کمونیست

روابط عمومی سازمان

[webmaster@fedayi.org](mailto:webmaster@fedayi.org)

کمیته آذربایجان

[azer@fedayi.org](mailto:azer@fedayi.org)

کمیته تهران

[Tehran@fedayi.org](mailto:Tehran@fedayi.org)

کمیته کرج

[karaj@fedayi.org](mailto:karaj@fedayi.org)

کمیته کردستان

کار، مسکن، آزادی ، جمهوری فدراتیو شورائی!